

جایگاه منظر شهری در اسناد توسعه شهری ایران

در این مورد انجام شده است ولی از تجربیات جهانی و اظهار نارضایتی مردم از محیط‌های زیست شهری فعلی در ایران می‌توان ادعا کرد که آن چه یک انسان می‌باید از ارتباط طبیعی و سالم خود با محیط زیستش کسب کند از او - در شهرهای ما - دریغ شده است. نمی‌توان پذیرفت که در این شرایط انسان‌های شهرنشین از نظر سلامتی روانی و جسمانی، از شرایط طبیعی و قابل قبولی برخوردار باشند. معضلات روانی و جسمانی مردم به‌ویژه در شهرهای بزرگ مبین این واقعیت است.

با کمال تأسف پردازش مناظر شهری در ایران یک امر تجملی و فانتزی تلقی می‌شود در حالی که این امر مستقیماً با سلامت جسمی و روانی مردم، به‌ویژه کودکان، ارتباط دارد. لذا می‌توان انتظار داشت که میزان بیماری‌های روانی و جسمانی ناشی از زندگی در فضاهای ناسالم شهری در نسل‌های آینده بیشتر از زمان حاضر باشد. زیرا انسان‌ها به تعبیری، زندانی شهرهای شبه‌صنعتی و غیرطبیعی فعلی هستند. بنابراین توجه به ساماندهی علمی مناظر شهری حرکتی است در جهت گسترش سلامتی جامعه و بالا بردن کارایی آن در فعالیت‌های روزمره و توسعه‌های شهروندان.

اگر روزی در جامعه ما نیز مسئولان و مدیران و تصمیم‌گیران در فکر نظام‌دهی علمی محیط‌های شهری باشند؛ باید علاوه بر تهیه نقشه‌ها و ضوابط کاربری اراضی دست به تهیه برنامه‌ها و ضوابط اجرایی برای ساماندهی و اصلاح شهری بزنند. این کار موجب آشتی ذهنی مردم با محیط زیست خود (که اینک فرق چندانی با جنگل‌های بتن و آسفالت و آهن و شیشه و ... ندارد) خواهد شد. اگر مردم دوباره به گفتمان ذهنی با محیط زیست خود بپردازند نه تنها در سلامت آنان بهبودی گسترده‌ای ایجاد خواهد شد، بلکه این امر بر روابط متقابل اجتماعی آنان نیز تأثیر خواهد داشت. زیرا نگاه به رفتار مردم، در فضاهای شهری حاضر نشان می‌دهد که گویی آن‌ها حس گرها (سنسورها)ی ذهنی خود، بر روی اطلاعات صادر شده از محیط را خاموش نموده‌اند زیرا آن‌ها را اطلاعاتی مزاحم و زجرآور و بی‌معنی تلقی می‌کنند. مسلماً این نتیجه‌ای بسیار نامطلوب و شکستی بزرگ برای برنامه ریزان، طراحان و مدیران محیط‌های زیست انسانی در ایران است. لذا توجه خاصی به برنامه‌ریزی، طراحی و اجرایی در مورد مناظر شهری (جدای از برنامه‌ریزی کاربری‌های اراضی) با توجه به برنامه‌های توسعه، بسیار لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. انسان زمانی به مناظر اطرافش توجه سازنده می‌کند که بتواند معنای مناسبی به آن بدهد و بدین ترتیب گفتمان دو جانبه مثبتی بین آن‌ها برقرار می‌شود. در غیر این صورت گفتمان منفی خواهد بود یا اصولاً گفتمانی شکل نخواهد گرفت. در نهایت، شکل‌گیری چنین امری مستلزم ارتقاء سطح مدیریت شهری، زمینه‌سازی حقوقی برای افزودن اسناد جدید توسعه منظر شهری به اسناد توسعه شهری فعلی، آموزش در سطوح مختلف و زمینه‌سازی برای تولید علم (بومی) است.

موضوع منظر شهری و ارتباط آن با اسناد توسعه شهرها در ایران دارای دو وجه متفاوت است. اول آن‌که اصولاً اسناد توسعه شهری در ایران کمترین ارتباط را با ماهیت فعلی شهرسازی در جهان دارند و کهنگی و ناکارآمدی چارچوب‌های نظری و روش‌شناسانه آن‌ها باعث می‌شود که عنوان کردن هرگونه بحث جدیدی در این حوزه در ایران کاملاً بی‌ثمر بماند. از سوی دیگر، حداقل در عرصه مباحث ترقی‌جویانه و اصلاح‌طلبانه در مباحث شهرسازی در ایران، متخصصان شهرسازی چاره‌ای جز مطرح نمودن تجربیات جدید در حوزه علم شهرسازی و بر پایه یافته‌های علمی ندارند، زیرا این بخشی از رسالت علمی حرفه‌ای آن‌ها محسوب می‌شود.



ناصر ناصری
دکترای شهرسازی

داستان سکنی‌گزینی انسان در مجموعه‌های مسکونی، داستان استقرار ثابت انسان در یک چشم‌انداز طبیعی است. در چنین حالتی انسان بخشی غیرقابل تفکیک از طبیعت و دورنمای آن (بعد از استقرار در یک مکان ویژه) است. بدین ترتیب اسکان اولیه انسان در مناطقی که بعدها به شکل شهر درآمدند؛ اسکان در منظری است که در آن طبیعت حاکمیت مطلق دارد. پستی و بلندی زمین، ارتفاعات، رودهای روان، آسمان آبی، درختان و حیوانات و... جزئی از عوامل طبیعی حاضر در این صحنه هستند. حتی مصالح به‌کارگرفته در ساخت بناها و عوامل کالبدی نیز رنگ و بو و شکل طبیعی دارند. انسان هنوز با محیط اطراف خود احساس غریبی نمی‌کند. نبود احساس غریبی بین انسان و محیط زندگی وی یعنی وجود ارتباط سیستماتیک و دو جانبه بین انسان و محیط و به‌وجود نیامدن بی‌هویتی مکان یا احساس عدم تعلق به مکان؛ که خود می‌تواند نوعی «از محیط» و در نتیجه «از خود» بیگانگی را القاء نماید. در ادامه این روند به تدریج عناصر طبیعی منظر شهرهای ایران - به‌ویژه شهر تهران - برچیده و عناصر مصنوعی و انسان ساخت جای آن‌ها را اشغال کردند. این روند نیز شکلی طبیعی و درون‌زا نداشت و از سوی دیگر سرعت آن بسیار بیشتر از تغییرات صورت‌گرفته در قرن گذشته بود. ضمن آن که ویژگی دیگر آن فرهنگ و تاریخ‌زدایی نیز بوده است. به نحوی که مناظر شهری بسیاری از شهرهای ایران، از یک ماهیت بومی به یک ماهیت غیر بومی، جهانشمول و مدرن تبدیل شد. این روند را از نظر ارتباط متقابل و فرهنگی- روانی انسان با محیط زندگی می‌توان دارای موقعیت کاملاً مصنوعی و مکانیکی در نظر گرفت.

اولین صدمه‌ای که این شکل از سازماندهی محیط‌زیست انسان به‌وجود می‌آورد شکنجه روانی غیر مستقیم انسان‌هایی است که در این‌گونه محیط‌های مصنوعی- مکانیکی زندگی می‌کنند. با این‌که در ایران تحقیقات بسیار محدودی



خیابان ولیعصر، ۱۳۸۶



خیابان ولیعصر، ۱۳۱۷